

## چکیده

بررسی فقهی- حقوقی تلقیح مصنوعی کتابی درباره احکام تکلیفی و وضعی اقسام است. این کتاب از دُرس خارج [محمدجواد فاضل](#)، مختلف [تلقیح مصنوعی](#)، استخراج و به زبان فارسی منتشر شده است [لنکرانی](#).

مولف در بخش اول کتاب، تلقیح مصنوعی به پنج قسم تقسیم می‌کند؛ تلقیح اسپرم شوهر به رحم همسرش، [اهدای اسپرم](#)، [اهدای تخمک](#)، تلقیح اسپرم و تخمک زوجین در و تلقیح‌های نادر (تلقیح با [رحم اجاره‌ای](#)) خارج از رحم و انتقال به رحم همسر یا دیگری استفاده از اسپرم‌ها و تخمک‌های حیوانی یا گیاهی) پنج صورتی است که مولف با استناد به آیات و روایات در پی بررسی احکام تکلیفی و وضعی آن است.

مهم‌ترین دلیلی است که فاضل لنکرانی با استناد به آن، تمامی [آیه هفت سوره مؤمنون](#) موارد تلقیح مصنوعی حرام می‌داند؛ بجز دو مورد تلقیح اسپرم شوهر به رحم همسرش و تلقیح خارج رحمی اسپرم و تخمک زوجین و انتقال جنین شکل‌یافته به رحم همسر، که این دو مورد را به دلیل این‌که خارج از نهی آیه است، جایز می‌داند.

تلقیح شده می‌پردازد. به نویسنده، در بخش دوم کتاب، به بررسی مسئله [نسب جنین](#) باور او در صورت تلقیح اسپرم مرد به رحم همسرش، فرزند متعلق به زوجین است و در صورت تلقیح نطفه مرد بیگانه به تخمک زن در خارج رحم و انتقال آن به رحم دیگری یا به دستگاه، فرزند متعلق به صاحب نطفه است. به گفته فاضل لنکرانی در صورت تلقیح اسپرم و تخمک زوجین در خارج رحم و انتقال آن به رحم دیگری، فرزند متعلق به زوجین او محسوب می‌شود خواهد بود و صاحب رحم [مادر رضاعی](#).

معرفی و گزارش ساختار

کتاب بررسی فقهی- حقوقی تلقیح مصنوعی، متن درس خارج فقه محمدجواد فاضل لنکرانی است که در سال ۱۳۸۴ شمسی در قم برگزار شده و متن این درس‌ها در سال منتشر شده است ۱۳۸۷ شمسی در [مرکز فقهی ائمه اطهار\(ع\)](#).

کتاب دارای یک مقدمه و دو بخش است. مولف در مقدمه، به مفهوم‌شناسی تلقیح مصنوعی و باروری پرداخته و دو شیوه آن (یعنی کامل و ناقص) و اقسام تلقیح مصنوعی را ذکر می‌کند (ص ۱۲-۱۷). نویسنده در بخش اول، اصول عملی احتیاط و برائت را در موارد مشکوک تلقیح مصنوعی مورد بررسی قرار می‌دهد و در نهایت اصل برائت را در این موارد می‌پذیرد و بر اساس آن حکم می‌دهد (ص ۵۲). در ادامه همین بخش اقسام تلقیح مصنوعی به همراه دلایل عقلی و نقلی، و نقد و بررسی آنها مطرح می‌شود. در بخش دوم نیز مباحث مرتبط با نسب کودک به‌وجود آمده از راه تلقیح مصنوعی و رابطه او با پدر و مادرش را بیان می‌کند.

احکام تکلیفی تلقیح مصنوعی

مولف در فصل دوم بخش اول کتاب به بررسی احکام تکلیفی اقسام پنج‌گانه لقاح مصنوعی با بیان دلایل جواز یا عدم جواز آن می‌پردازد. نکته مهم در نظریات فاضل لنکرانی

آن است که از نظر او بر زن حرام است که رحمش را در اختیار دیگران قرار دهد تا جنین را در آن قرار دهند و فقط باید پذیرای نطفه شوهر خودش باشد (ص ۱۳۹)

تلقیح نطفه شوهر در رحم همسرش

صورت اول تلقیح پزشکی آن است که با ابزار جدید پزشکی اسپرم شوهر در رحم همسرش قرار داده شود. به گفته مولف دلیل عقلی و نقلی وجود ندارد که تلقیح فقط باید با رابطه زناشویی زن و شوهر صورت گیرد؛ پس در اینجا که شک در حرمت تلقیح مصنوعی هست، اصالت برائت جاری کرده و حکم به جواز این صورت داده می‌شود (ص ۵۶).

به باور فاضل لنکرانی، اگر زن و شوهر برای اینکه خانواده از بین نرود، مجبور به استفاده از راه‌های جدید پزشکی برای فرزنددار شدن شوند، در این صورت تلقیح نطفه شوهر در رحم همسرش جایز است حتی اگر با مقدمات حرام همراه باشد؛ (ص ۵۶-۵۷) ولی اگر آنان مضطر نیستند و زندگی آنها تحت الشعاع قرار نمی‌گیرد، تلقیح تلقیح نطفه شوهر در رحم همسرش که مستلزم مقدمات حرام است، برای آنها جایز نیست (ص ۵۸-۶۲)

تلقیح میان زن و مرد بیگانه

فاضل لنکرانی شکل دوم تلقیح را به تلقیح میان زن و مرد بیگانه اختصاص داده است و آن را به دو صورت قابل تصور می‌داند البته او در این تقسیم‌بندی با لحاظ وجود یک زن و شوهر نابارور به ترسیم دو شکل تلقیح می‌پردازد. ۱) تلقیح نطفه مرد بیگانه با تخمک زوجه به دلیل ضعف اسپرم زوج (اهدای اسپرم). ۲) تلقیح اسپرم زوج با تخمک زن بیگانه. (به دلیل ناباروری زوجه) (اهدای تخمک)

الف: اهدای اسپرم

فاضل لنکرانی شکل دوم بارداری مصنوعی را در صورتی می‌داند که شوهر به خاطر ضعف نطفه مرد دیگری را اسپرم نمی‌تواند همسرش را باردار کند، لذا با روش‌های جدید باروری در رحم همسر وی قرار می‌دهند (ص ۶۳). به گفته او عده‌ای از فقها قائل به جواز این صورت از تلقیح مصنوعی شده و بعضی دیگر آن را حرام می‌دانند (ص ۶۴)

نویسنده کتاب، ابتدا به بررسی دلایل روایی حرمت این شکل از تلقیح می‌پردازد و پس از آن، آنها را برای اثبات حرمت انتقال نطفه مرد [۱] نقد و بررسی سندی و دلالتی پنج روایت بیگانه به رحم زن نامحرم کافی نمی‌داند و معتقد است اگر دلیل دیگری در این زمینه وجود نداشت، با توجه به اصل عملی برائت، می‌توانستیم آن را جایز بدانیم؛ (ص ۶۵-۸۸؛ ص ۱۰۹) در حالی که به گفته او در این زمینه آیاتی نیز وجود دارد و با اتکا به آن می‌توان قائل به حرمت این قسم از تلقیح شد. فاضل لنکرانی چند آیه را در این زمینه بررسی نمی‌توان احزاب و ۲۵ سوره نساء سوره نور، ۲۲ می‌کند. به باور او بر اساس آیات ۲۱ فَمِنْ ابْتِغَى (قائل به حرمت اهدای اسپرم شد؛ (ص ۸۹-۱۰۵) ولی از آیه ۷ سوره مؤمنون و روایات ذیل آن (ص ۱۰۰) به عنوان دلیل حرمت انتقال [۲] (وَرَاءَ ذَلِكَ قَوْلُكَ هُمْ الْعَادُونَ نطفه مرد بیگانه در رحم همسر استفاده می‌کند (ص ۱۰۹)

را ذکر کرده و بر [۳] نگارنده بعد از نقد و بررسی آیات، یک روایت درباره علت حرمت زنا اساس آن، دلیل حرمت زنا را «فساد در خانواده» معرفی می‌کند و می‌گوید منتقل کردن اسپرم مرد بیگانه در رحم همسر نیز موجب فساد در خانواده می‌شود؛ و با اتکا به همین روایت، صورت دوم را جایز نمی‌داند (ص ۱۱۷-۱۱۸). فاضل لنکرانی در ادامه به بررسی ادله قائلین به جواز می‌پردازد و معتقد است که مهمترین دلیل جواز صورت دوم، روایات این باب است. (ص ۱۱۸-۱۲۱) وی بعد از نقد، بررسی و [۴] است و بازگشت همه آنها به دو روایت مناقشه در سند و محتوای این دو روایت، آنها را برای اثبات جواز صورت دوم تلقیح مصنوعی که اهدای اسپرم است، کافی نمی‌داند (ص ۱۲۴).

ب: اهدای تخمک

فاضل لنکرانی شکل سوم تلقیح مصنوعی را در صورتی می‌داند که به علت ناباروری زن، نطفه شوهرش را به رحم زن دیگری انتقال دهند (ص ۱۲۵). به گفته نویسنده انتقال نطفه شوهر در رحم زن بیگانه سه فرض دارد که هر سه فرض بر اساس آیه ۷ سوره مؤمنون حرام است:

فرض اول: تخمک زن بیگانه را در رحم همسر مرد قرار می‌دهند و شوهر با رابطه زناشویی او را باردار می‌کند (ص ۱۲۷)

فرض دوم: تلقیح بین اسپرم شوهر با تخمک زن بیگانه در رحم همان زن (ص ۱۲۶)

فرض سوم: تلقیح نطفه شوهر با تخمک زن بیگانه در خارج از رحم و انتقال آن به رحم همسر (ص ۱۳۰)

تلقیح اسپرم شوهر و تخمک زن در خارج از رحم همسر

صورت چهارم بارداری مصنوعی به گفته نویسنده، با تلقیح اسپرم شوهر به تخمک زن در خارج از رحم همسر انجام و جنین تولید می‌شود. این شکل هم بر اساس محل قرار گرفتن جنین، صورت‌ها و احکام مختلفی پیدا می‌کند

صورت اول و دوم: جنین به هیچ رحمی منتقل نمی‌شود و یا در رحم زوجه قرار می‌گیرد که این دو حالت، جایز است (ص ۱۳۱)

صورت سوم: جنین به رحم همسر دوم یا کنیز صاحب نطفه منتقل شود. به باور فاضل لنکرانی اگرچه اصل تلقیح اسپرم و تخمک زوجین در خارج جایز است؛ ولی منتقل کردن آن به رحم زن دوم یا کنیز همسر، هرچند بر اساس برخی روایات جایز است (ص ۱۳۴) ولی طبق آیه ۷ سوره مؤمنون این صورت هم حرام خواهد بود (ص ۱۳۶)

صورت چهارم: انتقال جنین به رحم زن بیگانه که این صورت به گفته نویسنده به تصریح آیات و روایات جایز نیست (ص ۱۳۶)

صورت‌های نادر تلقیح مصنوعی

فاضل لنکرانی برخی از صورت‌های نادر تلقیح مصنوعی همچون تلقیح اسپرم مرد با را ذکر می‌کند و آنها را مصداق آیه ۷ سوره مؤمنون و روایت و تلقیح با گناه تخمک حیوان دانسته و لقاح از این طریق را مخالف مقاصد [۵] «رَجُلٌ أَقَرَّ نُطْقَتَهُ فِي رَحِمٍ يَحْرُمُ عَلَيْهِ (هدف از ازدواج، بارداری از طریق انسان بوده است) می‌داند؛ و بر این اساس شریعت همه این صورت‌ها را حرام می‌داند (ص ۱۴۰-۱۴۳)

#### احکام وضعی تلقیح مصنوعی

فاضل لنکرانی در بخش دوم کتاب با عنوان مسائل حقوقی تلقیح مصنوعی، به آثار و احکام وضعی تلقیح مصنوعی مانند نسبت جنین با والدین (صاحب اسپرم و تخمک) می‌پردازد.

#### حقیقت و مفهوم نسب

مولف در فصل اول بخش دوم نخست به بررسی حقیقت «نسب» می‌پردازد. به گفته وی درباره حقیقت «نسب» دو دیدگاه وجود دارد: برخی معتقدند نسب در شریعت یک معنای خاص ندارد بلکه باید به عرف رجوع شود و عرف هم صاحب اسپرم و تخمک را پدر و مادر جنین می‌داند (ص ۱۴۸)، در مقابل این دیدگاه برخی می‌گویند نسب یک حقیقت شرعی و دارای اصطلاح خاص است (ص ۱۴۹). فاضل لنکرانی برخی مستندات دیدگاه دوم، (ص ۱۵۳) را ذکر می‌کند. او «الولد للفراش» همچون «نفی نسب از ولد زنا» (ص ۱۴۹) و به [۶] ادعای اجماع صاحب جواهر مبنی بر عدم وجود رابطه میان ولد الزنا با زن و مرد ارث» دلیل عدم ارث‌بری از آنها را نقد می‌کند (ص ۱۴۹-۱۵۰) و معتقد است، نمی‌توان از رابطه جنین با زن و مرد را انکار کرد؛ چون شارع فقط خواسته «ارث نبردن» نبردن ولد زنا جنین» را برای زنا ثابت کند نه اینکه بخواهد همه آثار همچون «محرمیت» و «نسب» را از اهل بیت (ع) و یک [۷] نفی کند (ص ۱۵۰-۱۵۲). نویسنده در ادامه، پنج روایت از اهل سنت را برای قاعده «الولد للفراش» بیان می‌کند (ص ۱۵۲-۱۵۸) و [۸] روایت قاعده را مخصوص جایی می‌داند که زنایی صورت گرفته و الحاق جنین به یکی از زناکاران مشکوک باشد؛ اما در فرضی که صاحب نطفه مشخص است، قاعده جاری نمی‌شود (ص ۱۵۹-۱۶۰).

#### نسب فرزند در صورت‌های مختلف تلقیح مصنوعی

نگارنده بعد از بررسی فقهی اشکال تلقیح مصنوعی، مباحث حقوقی آنها را بیان کرده و وضعیت نسب فرزند را مشخص می‌کند.

در این صورت فرزند متعلق به صاحب نطفه و :تلقیح اسپرم شوهر در رحم همسرش. اسپرم است که همان زوجین هستند (ص ۱۶۱)

در این صورت اگر نطفه مرد با تخمک در خارج :تلقیح نطفه مرد بیگانه در رحم زن نامحرم رحم تلقیح شده و جنین حاصل از آن در دستگاه بزرگ شود و یا به رحم زن بی‌شوهر منتقل شود و یا اسپرم مرد بیگانه را بگیرند و در رحم زن بی‌شوهر قرار دهند، در همه این حالات، جنین به صاحب نطفه تعلق دارد؛ (ص ۱۶۱) اما اگر بعد از انتقال نطفه مرد بیگانه به

رحم زن، شوهرش با او آمیزش کرد و فرزندی متولد شد، چون این احتمال هم وجود دارد که جنین از نطفه شوهر تشکیل شده باشد، طبق قاعد (الولد للفراش) فرزند به زوجین منسوب می‌شود (ص ۱۶۱-۱۶۲)

در :تلقیح اسپرم و تخمک زوجین در خارج و انتقال آن به رحم زن دیگری (رحم اجاره‌ای) این صورت صاحب نطفه پدر جنین است و عرف هم مادر او را، صاحب تخمک می‌داند نه بر زنی که نطفه در رحم او قرار گرفته است (ص ۱۶۲). به گزارش کتاب، [آیت الله خویی](#) اساس [آیه ۲ سوره مجادله](#)، مادر جنین را زنی می‌داند که فرزند را به دنیا آورده است؛ زیرا فاضل لنکرانی نظر [۹]. در آیه به زنی که فرزند از وی متولد شده، مادر گفته شده است خویی را نقد می‌کند و معتقد است آیه فقط در صدد نهی ازظهار است نه اینکه بخواهد مادر را تعریف کند (ص ۱۶۳-۱۶۵). نویسنده در نهایت هم احتمال می‌دهد که جنین دو است و زنی که فرزند را به دنیا آورده، [مادر](#) مادر داشته باشد، صاحب تخمک، [مادر نسبی](#) محسوب شود (ص ۱۶۵) [رضاعی](#).

